

با انحصار گرایی یکی از اعضای شورای امنیت در بهره گیری از حق وتو شناخته می شود. آخرین باری که از این قدرت استفاده شد به هفته گذشته باز می گردد، زمانی که مجمع عمومی قطعنامه‌ای را تصویب کرد که عیناً شبیه به قطعنامه‌ای بود که سه روز پیش از آن مورد حمایت تمام چهارده عضو شورای امنیت قرار گرفته بود، اما ایالات متحده آن را وتو کرده بود. این قطعنامه پاسخی بود به بیانیه شناسایی بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل توسط دولت ترامپ و همچنین انتقال سفارت آمریکا به آن.

رای گیری در مجمع عمومی با رای مثبت ۱۲۸ کشور، ۹ رای مخالف و غیبت ۳۵ کشور همراه بود. تنها آرای "نه"، بجز آمریکا و اسرائیل، متعلق به کشورهای بسیار کوچک اقیانوس آرام بود که ایالات متحده هر موقع میزان حمایتها کم است روی آنها حساب می کند؛ جزایر مارشال، میکرونزی، ناورو و پالاتو بود، همچنین گواتمالا، هندوراس و توگو.

متحدان اصلی آمریکا، فرانسه، بریتانیا و آلمان

می تواند مولد بحرانهای امنیتی گسترده‌ای در اروپا باشد. این هشدارها نشان می دهد که "بحران امنیت" کماکان حکم بحرانی زیربنایی و مستمر را در معادلات اروپای واحد دارد. این بحران می تواند در سال جدید میلادی (سال ۲۰۱۸) تحت تاثیر عوامل مختلف تشدید شود. به عبارت بهتر، بحران امنیت موضوعی است که اروپای واحد امروز آن را به شدت لمس می کند. سیاستهای امنیتی مشترک در اروپا نه تنها منجر به بهبود اوضاع امنیتی در مرزهای شنگن و دیگر مرزهای اروپایی نشده است، بلکه به نقطه آسیب اطلاعاتی و امنیتی در این مجموعه تبدیل شده است. در سالهای اخیر، مدیریت امنیتی مشترک

در میان کشورهای قرار داشتند که رای مثبت دادند. چنین پشتیبانی قدرتمندی حتی با توجه به تهدیدات و قلدریهای آمریکا مناسب بود و جای شگفتی نداشت. به جای آن از اعضا می خواهد تا با قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص بیت المقدس و شناسایی دوباره وضعیت و حکمرانی شهری که بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت می بایست سرنوشته از طریق خط مذاکرات مشخص شود، همراه باشند.

در میان حقایق بزرگی که در اقدام سازمان ملل مستتر است می توان به احساس بین المللی برای تحقق عدالت و انصاف اشاره کرد. بسیاری



کشورهای اروپایی بارها از سوی گروههای ملی گرا و ضد اروپایی به چالش کشیده شده است.

بی تفاوتی سرویسهای امنیتی اروپا در قبال تقویت گروههای نژادپرست و ضد مهاجرت (مانند جنبش پیگیدا در آلمان) و متعاقباً حمایت این دستگاهها از جریانهای تکفیری در منطقه غرب آسیا منجر به قرار گرفتن اروپای واحد در وضعیت فعلی و مواجهه آن با بحرانهای امنیتی شده است. نباید فراموش کرد که نهادهای امنیتی اروپا در سالهای قبل از تشکیل داعش، حساسیتی نسبت به فعالیتهای فکری و تبلیغی گروههای تکفیری مورد حمایت عربستان سعودی در داخل خاک خود نداشتند.

در این کشور و آواره شدن آنها در کشورهای همسایه، مورد انتقاد گسترده جامعه جهانی قرار گرفت و جایگاه و منزلت خود را از دست داد. عدم پایان جنگ بی نتیجه یمن و بویژه، محاصره بنادر کلیدی این کشور فقیر عربی توسط ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی که منجر به مرگ و میر روزانه هزاران غیر نظامی یمنی و شیوع گسترده وبا و سایر بیماریها در این کشور شد نیز از دیگر حوادث تلخ سال ۲۰۱۷ بود. مرگ علی عبدالله صالح و پرتاب موشکهای یمنی به سمت عربستان نیز از دیگر حوادث مهم بحران یمن بود که معادلات استراتژیک و نظامی جنگ در این کشور را تا حد زیادی تغییر داد.

سال ۲۰۱۷ سال پایان خلافت خودخوانده داعش و انزوای همه گروههای افراط گرا و تروریستی در منطقه غرب آسیا نیز بود که البته نه با کمک ائتلافهای دروغین غربی، بلکه با همت



از کشورها شیوه بر خورد دولت اسرائیل با فلسطینیها و رویکرد دولت ترامپ برای لابی در خصوص این قطعنامه را طرد کردند. تهدیدات و قلدریهای نماینده آمریکا در سازمان ملل کاری از پیش نبرد. تاکتیکهای خام و ناپخته از جمله لفاظیهای نیکو هیلی مبنی بر "یادداشت اسم کشورها" و گزافه گوییهای ترامپ در خصوص قطع کمکهای آمریکا هم تاثیری نداشت. اردن و مصر دو کشور عربی هستند که بعد از اسرائیل بیشترین کمکهای مالی را از آمریکا دریافت می کنند، اما به قطعنامه مجمع عمومی رای مثبت دادند. خامی بیش از حد تاکتیک هیلی و اهانتی که قلدریها متوجه کشورها می کرد، احتمالاً باعث شد این تاکتیک نتیجه معکوس دهد.

از همه مهمتر، نتیجه رای گیری توضیح مبرهن دیگری بود مبنی بر اینکه آمریکا برای مجبور کردن جهان از آن چیزی که ناسیونالیستهای آمریکایی تصور می کنند کمتر است. سیاستها و لفاظیهای ترامپ باعث شده است که اعتماد جامعه جهانی به آمریکا به درجات پایین تری سقوط کند.

از سوی دیگر، از سال ۲۰۱۳ (زمان شکل گیری داعش) تا کنون، نیز حمایتهای تسلیحاتی کشورهایمانند انگلیس، فرانسه و آلمان از اصلی ترین حامی گروههای تروریستی در منطقه یعنی عربستان سعودی نقش به سزایی در استمرار حیات گروههای تروریستی در سوریه و عراق داشته است. با این حال، هم اکنون با نابودی خلافت داعش در سوریه و عراق، مخاطرات امنیتی ناشی از بازگشت اتباع اروپایی داعش و دیگر گروههای تروریستی به خاک اروپا ملموس تر است. در هر حال غرب در حوزه بحرانهای امنیتی با ساختار ناهمگونی مواجه شده که خود در ایجاد آن نقش داشته است.

و همدلی نیروهای مقاومت و شکل گیری مثلث ایران، روسیه، ترکیه، از صحنه سیاسی کشورهای منطقه حذف شد.

بدین ترتیب، سال ۲۰۱۷ سال تقویت دولتهای ملی در غرب آسیا در مقابل گروههای افراط گرا و تروریستی، به طور کلی و سال قدرت یابی ایران به طور خاص بود. در شرایطی که کشورهای عربی منطقه با خریدهای گسترده تسلیحاتی از غرب، مشارکت در جنگ ضد انسانی یمن و باز کردن باب مناسبات با رژیم صهیونیستی تا حد زیادی اعتبار و قدرت نرم خود را از دست دادند، جمهوری اسلامی ایران به واسطه سیاستهای معتدل و همکاری جوانانه، افزایش مناسبات با جامعه جهانی، مقابله جدی و واقعی با تروریسم و تکیه بر توان دفاعی بومی، به طور همزمان از قدرت نرم افزاری و سخت افزاری زیادی برخوردار و در عمل به قدرت برتر و اول منطقه تبدیل شد.